

فرهنگ واژگان مدیریت پروژه

نویسنده/ مترجم : فرشاد اشکبوسی (MBA, PMP) AshkbousiF@PMnotes.ir



هماهنگی در تفهیم و تفاهم در گفتار و نوشتار یکی از ضروریات هر دانشی است و معمولاً فرهنگ لغت در هر زمینه از گستره دانش وظیفه پاکسازی و این هماهنگی را برعهده دارد. اخیراً موسسه مدیریت پروژه آمریکا (PMI) برای یکپارچه سازی و تسهیل فهم متون مدیریت پروژه فرهنگ واژگان جدیدی برای مدیران پروژه، طرح و پورتفولیو ارائه کرده است، که با استفاده از آن همگان بتوانند به معانی مختصر و شفاف از عبارات و واژگان اساسی و پرکاربرد مدیریت پروژه، طرح و پورتفولیو دسترسی داشته باشند. این فرهنگ بهانه‌ای شد تا با کمک از ترجمه این فرهنگ و برخی منابع دیگر دست به ارائه لغتنامه مختصری در این خصوص بزنم.

همین جا یک اعتراف بکنم که همیشه در مواجهه با متن های ترجمه شده به فارسی مرتبط با دانش مدیریت پروژه دچار مشکل! این مشکل در حدیست که گاهی از خیر خواندن ترجمه گذشته و به متن اصلی روی می آورم. ضعف ما در ترجمه و شاید گاهی ضعف ادبیات کهنسال ما در مواجهه با کلمات و اصطلاحات جدید در این حوزه کاملاً مشهود بوده و شاید بهمین خاطر است که کاربرد برخی کلمات به زبان اصلی گویاتر و رساتر بنماید. دوست داران ارجمند زبان پارسی (که من هم خود را از ایشان می دانم) از این سخن نرنجند؛ چراکه این ضعف ما در مواجهه با بسیاری از دانشهای نوین مشهود و نیازمند تلاش دو چندان است. (البته اگر به ارزشهای زبان مادری واقفیم و خود را در پاسداشت آن و گسترش دانش حرفه‌ایمان پاسخگو و سهیم می دانیم!)

واضحست که ترجمه چنین لغات و اصطلاحاتی نیازمند لوازم و تلاشیست که شاید در سعی چند روزه من ننگند. امیدوارم راهنمایی و سعی شما و دیگر دست اندرکاران دانش مدیریت پروژه، زمینه ساز حرکت بهتری در این خصوص باشد. البته شایسته است از تلاش چند سال پیش فصلنامه مدیریت پروژه (طرح گام) در این زمینه یادی بکنم که متأسفانه علی‌رغم

شایستگی و بایستگی آن و با همراهی و تلاش برخی اساتید بنام کشور ناتمام و مسکوت مانده است.

در تهیه این متن از منابع زیر استفاده شده است :

- فرهنگ واژگان مدیریت پروژه PMI ۲۰۱۲ (PMI Lexicon of Project Management) Terms (<http://www.pmi.org>)
- طرح گام (گردآوری اصطلاحات مدیریت پروژه)؛ کاری مشترک از فصلنامه مدیریت پروژه و فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛ منتشر شده در شماره ۸ فصلنامه مدیریت پروژه (تابستان ۸۷) و مطابق صورتجلسه شورای واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی به شماره ۱۷/ب-۳۹-۸۷/۸۱۸ (مورخ ۱۳۸۷/۴/۱). (<http://www.irpmj.com>)
- معانی و اصطلاحات رایج در فضای دانش مدیریت پروژه کشور.

در ادامه تعداد ۱۴۵ واژه، عبارت و اصطلاح رایج در زمینه مدیریت پروژه، طرح و سبد پروژه آمده است به همراه شرح مختصر آنها آمده است.

Acceptance Criteria

معیارهای پذیرش: مجموعه شرایط الزامی که پیش از پذیرفتن اقلام قابل تحویل، می‌بایست تحقق یابد.

Activity

فعالیت: جزء مستقل و برنامه‌ریزی شده کارهای انجام شونده در طول دوره پروژه.

Actual Cost

هزینه واقعی (AC): هزینه واقعی مترتب بر اجرای فعالیت در یک دوره زمانی معین.

Analogous Estimating

برآورد مقایسه‌ای: تکنیکی برای برآورد و تخمین طول زمان یا هزینه یک فعالیت یا یک پروژه با استفاده از (سوابق) داده‌های حاصل از فعالیت یا پروژه‌های مشابه گذشته.

Apportioned Effort

کار اختصاص داده شده: فعالیتی که برای اجرای خالص و مجزای یک کار مستقل اختصاص دارد و قابل تجزیه به فعالیت یا کارهای دیگر نباشد. (**توجه:** کار اختصاص داده شده، یکی از سه نوع فعالیت مدیریت ارزش کسب شده (EVM) است که برای سنجش کارایی (work performance) استفاده می‌شود).

Assumption

فرض: عاملی درست، واقعی یا محقق است که در فرآیند برنامه‌ریزی بدون دلیل و استدلال در نظر گرفته می‌شود.

Backward Pass

گذر روبه عقب: یک تکنیک در روش مسیر بحرانی (CPM) برای محاسبه موعد دیرترین شروع یا دیرترین پایان از طریق حرکت به سوی عقب در مدل زمانبندی از انتهای پروژه.

Baseline

برنامه مبنا: نسخه تایید شده حاصل کار که صرفاً از طریق رویه‌های کنترل تغییرات قابل تغییر بوده و بعنوان مبنایی برای مقایسه بکار می‌رود.

Bottom-up Estimating

برآورد پایین به بالا: تکنیکی برای برآورد و تخمین طول زمان یا هزینه یک پروژه با استفاده از جمع تخمینهای اجزای سطوح پایینتر در ساختار شکست کار (WBS).

Budget at Completion

بودجه تکمیل (BAC): جمع کل بودجه در نظر گرفته شده برای انجام کار.

Change Control

کنترل تغییر: فرآیندیست که از طریق آن اصلاح مستندات، تحویل‌داده‌ها یا برنامه‌های مبنای مرتبط با پروژه، شناسایی، مستند، تایید یا رد می‌شود.

Change Control Board

هیات/کمیته کنترل تغییر (CCB) : گروهی رسمی و صاحب اختیار که مسولیت بازنگری، ارزیابی، تایید، تعویق یا رد تغییرات پروژه و همچنین بایگانی و ارتباطات مرتبط را دارند.

Change Control System

سیستم/سامانه کنترل تغییر : مجموعه‌ای از رویه‌ها که چگونگی راهبری و کنترل اصلاح تحویل‌داده‌های پروژه و مستندسازی مرتبط را تشریح می‌کند.

Change Request

درخواست تغییر : پیشنهاد رسمی اصلاح مستند، تحویل دادنی یا برنامه مبنا.

Code of Accounts

کد [گذاری] حسابها : سیستم شماره‌گذاری یکتا مورد استفاده در شناسایی هر یک از اجزای ساختار شکست کار (WBS).

Communication Management Plan

برنامه مدیریت ارتباطات : یکی از اجزای برنامه مدیریت پروژه، طرح یا پورتفولیو (PMP) که تشریح می‌کند اطلاعات، چگونه، چه هنگام و توسط چه کسی منتشر و راهبری می‌شود.

Constraint

قید/حد : یک عامل محدودکننده که بر اجرای پروژه، طرح، پورتفولیو یا فرآیند تاثیرگذار است.

Control Account

شماره کنترل : نقطه کنترل مدیریتی که در آن گستره، بودجه، هزینه واقعی و زمانبندی یکپارچه شده و جهت سنجش عملکرد با ارزش کسب‌شده مقایسه می‌شود.

Corrective Action

عمل اصلاحی : فعالیتی ارادی/تعمدی برای تعدیل/اصلاح کارایی کاری از پروژه مطابق برنامه مدیریت پروژه.

Cost Management Plan

برنامه مدیریت هزینه : یکی از اجزای برنامه مدیریت پروژه، طرح یا پورتفولیو (PMP) که چگونگی برنامه‌ریزی، ساختاریندی و کنترل هزینه را تشریح می‌کند.

Cost Performance Index

شاخص عملکرد هزینه (CPI) : مقیاسی از کارایی هزینه‌ای منابع بودجه‌ریزی شده که بصورت نسبت ارزش کسب شده (EV) به هزینه واقعی (AC) بیان می‌شود.

Cost Variance

انحراف هزینه (CV) : مقدار کمبود یا اضافه بودجه در یک نقطه زمانی خاص که از تفریق ارزش کسب شده (EV) و هزینه واقعی (AC) است.

Crashing

خردکردن: تکنیکی برای کوتاه کردن طول مدت زمانبندی برای رسیدن به حداقل هزینه با استفاده از افزودن منابع.

Critical Chain Method

روش زنجیره بحرانی (CCM) : روشی برای زمانبندی است که به تیم پروژه اجازه می‌دهد اندوخته‌ها/بافرهای در مسیر زمانبندی پروژه برای بشمار آوردن منابع محدود و عدم قطعیت‌های پروژه قرار دهند.

Critical Path

مسیر بحرانی : سلسله فعالیتهای تشکیل‌دهنده بلندترین مسیر در طول پروژه که نشانگر حداقل مدت ممکن پروژه است.

Critical Path Activity

فعالیت مسیر بحرانی : هرکدام از فعالیتهای روی مسیر بحرانی زمانبندی پروژه.

Critical Path Method

روش مسیر بحرانی (CPM) : روشی برای تخمین حداقل طول زمان پروژه و تعیین مقدار انعطاف‌پذیری برنامه در مسیرهای مختلف شبکه منطقی (Logical network) مدل زمانبندی.

Data Date

موعد گزارش/دیتادیت : نقطه زمانی که در آن وضعیت پروژه ثبت می‌گردد.

Decision Tree Analysis

آنالیز درخت تصمیم : تکنیک نموداری و محاسباتی ارزیابی تلویحی یک زنجیره مشتمل بر گزینه‌های چندگانه محتمل.

Decomposition

تجزیه : تکنیکی برای تقسیم کردن گستره و اقلام قابل تحویل پروژه به اجزای کوچکتر یا بخشهای قابل مدیریت.

Defect Repair

درست‌کردن نقیصه : فعالیتی ارادی/تعمدی برای اصلاح عدم تطابق محصول یا بخشی از محصول.

Deliverable

[قلم] قابل تحویل : هر محصول، نتیجه یا قابلیت قابل تصدیق برای انجام یک خدمت که نیاز است تولید شود تا یک فرآیند، فاز یا پروژه‌ای کامل گردد.

Discrete Effort

کار مستقل/مجزا : فعالیتی که می‌توان مستقل آنرا برنامه‌ریزی و انزه‌گیری کرد و خروجی مشخصی را به بار می‌آورد. (**توجه**: کار مستقل، یکی از سه نوع فعالیت مدیریت ارزش کسب شده (EVM) است که برای سنجش کارایی (work performance) استفاده می‌شود).

Early Finish Date

موعد زودترین پایان (EF) : در روش مسیر بحرانی، زودترین زمان ممکن که بخشهای ناتمامی از زمانبندی می‌تواند براساس منطق شبکه‌ای زمانبندی، موعد دیتادیت/گزارش (Data date) و قیود برنامه پایان پذیرد.

Early Start Date

موعد زودترین شروع (ES) : در روش مسیر بحرانی، زودترین زمان ممکني که بخشهاي ناتمامي از زمانبندی مي‌تواند براساس منطق شبکه‌ای زمانبندی، موعد دیتادیت/گزارش (Data date) و قيود برنامه شروع گردد.

Earned Value

ارزش کسب شده (EV) : میزان کار انجام گرفته که در شکل مقدار بودجه در اختیار برای کار عنوان مي‌شود.

Earned Value Management

مدیریت ارشد کسب شده (EVM) : روشي که گستره، زمانبندی و منابع را برای ارزیابی عملکرد و پیشرفت پروژه ترکیب مي‌کند.

Effort

تلاش : تعداد واحدهاي کاری که برای تکمیل يك فعالیت زمانبندی شده یا اجزای ساختار شکست کار (WBS) مورد نیاز است و معمولاً بصورت ساعت، روز یا هفته بیان مي‌شود.

Enterprise Environmental Factors

عوامل محیطی بنگاه (EEF) : شرایطی نه لزوماً تحت کنترل تیم که تاثیرگذار، محدودکننده یا جهت دهنده به پروژه، طرح یا پورتفولیو است.

Estimate at Completion

برآورد/تخمین [در زمان] تکمیل (EAC) : هزینه کل قابل انتظار برای تکمیل همه کارها که بصورت جمعی از هزینه واقعی تاکنون و برآورد هزینه تکمیل بیان مي‌شود.

Estimate to Complete

برآورد/تخمین [تا زمان] تکمیل (ETC) : هزینه قابل انتظار برای تکمیل همه کارهاي باقیمانده پروژه.

Fast Tracking

پیگیری سریع : تکنیک فشرده‌سازی زمانبندی بدینصورت که فعالیتها یا فازها، که بطور موازي و در تسلسل معمول انجام مي‌شوند، با حداقل زمان ممکن اجرا شوند.

Finish-to-Finish

[ارتباط] پایان به پایان (FF) : ارتباط منطقی مابین فعالیتها بطوریکه یک فعالیت پسین/متاخر نتواند پایان یابد پیش از آنکه فعالیت پیشین/پیش نیاز پایان یافته‌باشد.

Finish-to-Start

[ارتباط] پایان به آغاز (FS) : ارتباط منطقی مابین فعالیتها بطوریکه یک فعالیت پسین/متاخر نتواند شروع شود پیش از آنکه فعالیت پیشین/پیش نیاز پایان یافته‌باشد.

Forward Pass

گذر روبه‌جلو : يك تکنیک در روش مسیر بحرانی (CPM) برای محاسبه موعد زودترین شروع یا زودترین پایان از طریق حرکت به سوي جلو در مدل زمانبندی از ابتدای پروژه یا هرلحظه‌ای در زمان.

Free Float

شناوری آزاد : مقدار زمانی که یک فعالیت می‌تواند تاخیر داشته باشد، بی آنکه موعد زودترین شروع هیچ فعالیت پسینی تاخیر نخورد یا قیود زمانبندی خدشه‌دار نشود.

Gantt chart

گانت چارت : نمودار میله‌ای اطلاعات زمانبندی که لیست فعالیتها در محور عمودی قرار دارد، تاریخ/تقویم در محور افقی و طول مدت فعالیتها بصورت میله افقی براساس [فاصله] آغاز تا پایان هر فعالیت نشان داده شده است.

Human Resource Plan

برنامه منابع انسانی : یکی از اجزای برنامه مدیریت پروژه یا طرح (PMP) که چگونگی ساختاردهی و آدرس‌دهی نقشها و مسوولیتها، ارتباطات گزارش‌دهی و مدیریت کارکنان را تشریح می‌کند.

Lag

تأخر/پس‌افتادگی/دیرش : مقدار زمانی که باتوجه به فعالیت پیشین، نیاز است تا یک فعالیت پسین/متاخر به تاخیر بیفتد.

Late Finish Date

موعد دیرترین پایان (LF) : در روش مسیر بحرانی، دیرترین زمان ممکن که بخشهای ناتمامی از زمانبندی می‌تواند براساس منطق شبکه‌ای زمانبندی، موعد تکمیل پروژه و قیود زمانبندی پایان پذیرد.

Late Start Date

موعد دیرترین شروع (LS) : در روش مسیر بحرانی، زودترین زمان ممکن که بخشهای ناتمامی از زمانبندی می‌تواند براساس منطق شبکه‌ای زمانبندی، موعد تکمیل پروژه و قیود برنامه شروع گردد.

Lead

تقدم/پیش‌افتادگی : مقدار زمانی که باتوجه به فعالیت پیشین یک فعالیت پسین/متاخر می‌تواند تسریع گردد.

Lessons Learned

درس‌آموخته‌ها : دانشی که در حین پروژه بدست می‌آید که نشانگر آنست که اتفاقات پروژه چگونه راهبري شده یا در آینده باید شود؛ به هدف افزایش کارایی آینده.

Level of Effort

سطح کار (LOE) : فعالیتیست که مستقیماً به محصول نهایی ختم نمی‌شود و با بازه‌ای از زمان سنجیده می‌شود. (**توجه**: سطح کار، یکی از سه نوع فعالیت مدیریت ارزش کسب شده (EVM) است که برای سنجش کارایی (work performance) استفاده می‌شود.)

Logical Relationship

ارتباط منطقی : وابستگی مابین دو فعالیت یا مابین یک فعالیت و یک موعد مهم (Milestone).

Milestone

موعد مهم/مایلستون : نقطه یا رویداد مهمی در پروژه، طرح یا پورتفولیو.

Most Likely Duration

محتملترین مدت : برآوردی از محتملترین طول مدت فعالیت که تمامی متغیرهای شناخته شده موثر در عملکرد را در نظر داشته باشد.

Opportunity

فرصت : ریسکی که اثری مثبت بر یک یا بیشتر از اهداف پروژه دارد.

Optimistic Duration

مدت خوشبینانه : برآوردی از کوتاهترین طول مدت فعالیت با در نظرگیری تمامی متغیرهای موثر در عملکرد.

Organizational Breakdown Structure

ساختار شکست سازمانی (OBS) : بیان سلسله مراتبی سازمان پروژه، که روابط میان فعالیت‌های پروژه و واحدهای سازمانی انجام‌دهنده آن فعالیتها را نشان می‌دهد.

Organizational Process Assets

سرمایه‌های فرآیندی سازمانی (OPA) : برنامه‌ها، فرآیندها، سیاستها، رویه‌ها و قواعد دانشی معین شده یا مورد استفاده بوسیله سازمان مجری.

Organizational Project Management Maturity

بلوغ مدیریت پروژه سازمانی : سطحی از توانمندی سازمانی در ارائه خروجیهای مطلوب استراتژیک در یک وضع قابل پیش بینی، قابل کنترل و قابل اعتماد.

Parametric Estimating

تخمین پارامتری : تکنیکی برای برآورد که با استفاده از الگوریتمی هزینه یا مدت زمان برپایه داده‌های گذشته و پارامترهای پروژه محاسبه می‌گردد.

Path Convergence

همگرایی مسیر : عنوان ارتباطی است که در آن یک فعالیت زمانبندی بیش از یک پیش نیاز دارد.

Path Divergence

واگرایی مسیر : عنوان ارتباطی است که در آن یک فعالیت زمانبندی بیش از یک فعالیت متاخر دارد.

Percent Complete

درصد تکمیل : تخمین درصدی از مقدار کار انجام شده یک فعالیت یا جزیی از ساختار شکست کار.

Performing Organization

سازمان مجری : به بنگاهی اطلاق می‌گردد که کارکنانش بیشترین درگیری مستقیم در کار پروژه یا طرح دارند.

Pessimistic Duration

مدت بدبینانه : برآوردی از بلندترین طول مدت فعالیت، با در نظرگیری تمامی متغیرهای موثر در عملکرد.

Phase Gate

دروازه فاز : بازنگری در پایان یک فاز برای تصمیمگیری در رفتن به فاز بعدی، ادامه دان به همراه تغییرات/اصلاحات یا خاتمه دادن پروژه یا طرح.

Planned Value

ارزش برنامه‌ای (PV) : بودجه تحت اختیار که به کارهای برنامه‌ریزی شده اختصاص یافته است.

Portfolio

پورتفولیو/سبد پروژه : پروژه‌ها، طرحها، زیر سبدها و عملیاتی که برای رسیدن به اهداف استراتژیک بصورت یک گروه مدیریت می‌شود.

Portfolio Balancing

موازنه سبد پروژه : فرایند بهینه‌سازی ترکیبی از اجزای سبد پروژه برای رسیدن به اهداف استراتژیک بیشتری از سازمان.

Portfolio Management

مدیریت سبد پروژه : مدیریت متمرکز یک یا بیشتر سبد پروژه برای دستیابی به اهداف استراتژیک.

Precedence Diagramming Method

روش دیاگرام پیش‌نیازی (PDM) : تکنیکی مورد استفاده در ساختن برنامه زمانبندی که در آن گره‌ها نشانگر فعالیتها بوده که توالی آنها همانطور که در اجرای کارها وجود دارد از طریق یک یا چند پیوند بصورت گرافیکی بهم ارتباط داده شده اند.

Predecessor Activity

فعالیت پیش‌نیاز : فعالیتی در برنامه زمانبندی که منطقی پیش از یک فعالیت وابسته می‌آید.

Preventive Action

اقدام پیشگیرانه : فعالیتی ارادی که اطمینان از تطابق کارایی آینده کاری از پروژه با برنامه مدیریت پروژه را تضمین کند.

Probability and Impact Matrix

ماتریس اثر و احتمال : شبکه‌ای حاصل از نگاشت احتمال وقوع هر ریسک و اثر آن بر اهداف پروژه در صورت وقوع.

Procurement Management Plan

برنامه مدیریت تدارکات : یکی از اجزای برنامه مدیریت پروژه یا طرح (PMP) که چگونگی تحصیل کالا و خدمات را توسط تیم پروژه از خارج از سازمان مجری پروژه تشریح می‌کند.

Product Life Cycle

چرخه عمر محصول : مجموعه مراحل که نشانگر تکامل یک محصول از زمان ایده و مفهوم اولیه تا تریه و تحویل، رشد، توسعه، بلوغ و نهایتاً مرگ آن است.

Program

طرح : گروهی از پروژه‌ها، زیر پروژه‌ها و کارهای طرح مرتبط/وابسته بهم که برای رسیدن به منافعی مستقل از نتیجه هرکدام، بطور هماهنگ مدیریت می‌شود.

Program Management

مدیریت طرح : بکارگیری دانش، مهارت‌ها، ابزارها و تکنیک‌ها در یک طرح برای رسیدن به الزامات طرح و دستیابی به منافع و نظارت آنچه به تنهایی از طریق مدیریت مستقل پروژه‌ها در دسترس نیست.

Program Management Office

دفتر مدیریت طرح (PMO) : یک ساختار مدیریتی که فرایندهای اداره و نظارت مرتبط با طرح را استاندارد کرده و به اشتراک گذاری منابع، روشها/متدولوژیها، تکنیکها و ابزارها را امکانپذیر می‌سازد.

Progressive Elaboration

وضوح تدریجی : فرآیند مکرر افزایش سطح تفصیلی برنامه مدیریت پروژه حاصل از فراهم شدن اطلاعات بیشتر و برآوردهای دقیقتر.

Project

پروژه : تلاش موقتی برای ساختن یک محصول، خدمت یا نتیجه یکتا.

Project Calendar

تقویم پروژه : تقویمی که روزها و نوبتهای کاری در دسترس فعالیتهای برنامه زمانبندی را مشخص می‌کند.

Project Charter

منشور پروژه : مستندسیتی که توسط آغازگر یا پشتیبان پروژه صادرشده و بطور رسمی وجود پروژه را اعلام می‌کند و نیز اختیار بکارگیری منابع سازمانی در فعالیتهای پروژه را به مدیر پروژه منتخب تفویض می‌کند.

Project Life Cycle

چرخه عمر پروژه : مجموعه فازهای یک پروژه از آغاز تا خاتمه.

Project Management

مدیریت پروژه : بکارگیری دانش، مهارت‌ها، ابزارها و تکنیک‌ها در فعالیتهای پروژه برای دستیابی به الزامات پروژه.

Project Management Office

دفتر مدیریت پروژه (PMO) : یک ساختار مدیریتی که فرایندهای اداره و نظارت مرتبط با پروژه را استاندارد کرده و به اشتراک گذاری منابع، روشها/متدولوژیها، تکنیکها و ابزارها را امکانپذیر می‌سازد.

Project Management Plan

برنامه مدیریت پروژه (PMP) : مستندیست که چگونگی اجرا، نظارت و کنترل پروژه را تشریح می‌کند.

Project Manager

مدیر پروژه : شخصی که توسط سازمان مجری پروژه برای رهبری تیم پروژه و پاسخگو در دستیابی به اهداف پروژه گماشته می‌شود.

Project Phase

فاز پروژه : مجموعه‌ای فعالیت‌های پروژه که بطور منطقی باهم مرتبط بوده و نهایتاً منجر به تکمیل یک یا چند نتیجه تحویل دادنی می‌گردد.

Project Schedule

برنامه زمانبندی پروژه : یک خروجی از مدل برنامه‌ریزی که فعالیتها را در پیوند با تاریخها، طول مدت، مایلستونها و منابع برنامه‌ای نشان می‌دهد.

Project Schedule Network Diagram

نمودار شبکه‌ای زمانبندی پروژه : نمایش گرافیکی ارتباطات منطقی فعالیت‌های برنامه زمانبندی پروژه.

Project Scope

گستره پروژه : کار مقرر برای تحویل یک محصول، خدمت یا نتیجه در یک شکل و وظیفه مشخص شده.

Project Scope Statement

بیانیه گستره پروژه : شرحی شامل بیانی از محدوده پروژه، تحویل دادنی‌های اصلی، مفروضات و محدودیتها.

Quality Management Plan

برنامه مدیریت کیفیت : یکی از اجزای برنامه مدیریت پروژه یا طرح (PMP) که چگونگی استقرار سیاست‌های کیفی سازمان را تشریح می‌کند.

Requirement

نیازمندی/الزام : شرط یا قابلیت که نیاز است در محصول، خدمت یا نتیجه برای ایفاد قرارداد یا هر مشخصات رسمی تکلیف شده، ارایه گردد.

Requirements Management Plan

برنامه مدیریت الزامات : یکی از اجزای برنامه مدیریت پروژه یا طرح (PMP) که چگونگی تحلیل، مستندسازی و مدیریت الزامات را تشریح می‌کند.

Requirements Traceability Matrix

ماتریس ردیابی الزامات (RTM) : ماتریسی که الزامات محصول را به شکل پیوندی میان منشأ آنها به تحویل‌دادهایشان نشان می‌دهد.

Resource Breakdown Structure

ساختار شکست منابع (RBS) : ساختار سلسله مراتبی که نوع و گروه منابع را نشان می‌دهد.

Resource Calendar

تقویم منابع : تقویمی نشانگر روزها و نوبتهای کاری که هر منبع معین در دسترس است.

Resource Leveling

سطح‌بندی منابع : تکنیکی که در آن تاریخهای شروع و پایان براساس محدودیتهای منابع و به هدف توازن میان تقاضا و در دسترس بودن منابع تنظیم می‌گردد.

Responsibility Assignment Matrix

ماتریس تخصیص مسوولیت (RAM) : شبکه‌ای که منابع تخصیص یافته پروژه به هر بسته کاری را نشان می‌دهد.

Risk

ریسک : واقعه یا شرایط احتمالی که اگر رخ دهد اثری مثبت یا منفی بر یک یا چند هدف پروژه خواهد داشت.

Risk Acceptance

پذیرش ریسک : یک استراتژی پاسخ ریسک که به موجب آن تیم پروژه تصمیم بر تایید ریسک گرفته و هیچ اقدامی مگر وقوع ریسک را درپیش نمی‌گیرد.

Risk Avoidance

اجتناب از ریسک : یک استراتژی پاسخ ریسک که به موجب آن تیم پروژه سعی در محو کردن ریسک یا حفاظت پروژه از اثرات آن می‌کند.

Risk Breakdown Structure

ساختار شکست ریسک (RBS) : سلسله مراتبی نمایشگر ریسکها مطابق گروه‌بندی آنها.

Risk Category

گروه ریسک : گروهی از علل بالقوه ریسکها.

Risk Management Plan

برنامه مدیریت ریسک : یکی از اجزای برنامه مدیریت پروژه، طرح یا سبد پروژه (PMP) که چگونگی ساختار بندی و انجام کارهای مدیریت ریسک را تشریح می‌کند.

Risk Mitigation

کاهش ریسک : یک استراتژی پاسخ ریسک که به موجب آن تیم پروژه سعی در کاستن احتمال یا اثر یک ریسک دارد.

Risk Register

دفتر ثبت ریسک : مستندی که نتایج تحلیل ریسکها و برنامه ریزی پاسخها در آن ثبت می‌گردد.

Risk Transference

انتقال ریسک : یک استراتژی پاسخ ریسک که به موجب آن تیم پروژه اثر مخاطره را به همراه مالکیت پاسخ، به شخص ثالث منتقل می‌کند.

Rolling Wave Planning

برنامه‌ریزی موج قلم‌دان : تکنیک برنامه‌ریزی تکرارشونده که در آن کارهایی که به زودی انجام خواهند شد به تفصیل برنامه‌ریزی شوند درحالی‌که کارهای دورتر در سطحی کلانتر برنامه‌ریزی می‌شوند.

Schedule Baseline

زمانبندی مبنا : نسخه مورد پذیرشی از مدل زمانبندی که تنها از طریق رویه رسمی کنترل تغییرات امکان تغییر دراد و بعنوان مبنایی برای مقایسه نتایج واقعی بکار می‌رود.

Schedule Compression

فشرده‌سازی زمانبندی : تکنیکی برای کوتاه کردن طول مدت زمانبندی بدون کاستن از گستره پروژه.

Schedule Management Plan

برنامه مدیریت زمانبندی : یکی از اجزای برنامه مدیریت پروژه یا طرح (PMP) که کارهای ایجاد و توسعه، نظارت و کنترل پروژه یا طرح را بنیان می‌نهد.

Schedule Model

مدل زمانبندی : بیانی از برنامه اجرایی کارهای پروژه، شامل مدت زمانها، وابستگیها و دیگر اطلاعات برنامه‌ریزی، مورد استفاده در ایجاد زمانبندی پروژه همراه با دیگر مصنوعات زمانبندی.

Schedule Model Analysis

تحلیل مدل زمانبندی : فرآیند بررسی و تحلیل خروجی مدل زمانبندی به هدف بهینه‌سازی برنامه زمانبندی.

Schedule Performance Index

شاخص عملکرد زمانبندی (SPI) : مقیاسی از کارایی زمانبندی که بصورت نسبت ارزش کسب شده (EV) به ارزش برنامه‌ای (PV) بیان می‌شود.

Schedule Variance

انحراف زمانبندی (SV) : مقیاسی از کارایی زمانبندی که بصورت اختلاف ارزش کسب شده (EV) و ارزش برنامه‌ای (PV) بیان می‌شود.

Scope Baseline

برنامه مبنای گستره : نسخه مورد پذیرشی شامل بیانیه گستره، ساختار شکست کار (WBS) و لغتنامه ساختار شکست کار که تنها از طریق رویه رسمی کنترل تغییرات امکان تغییر دراد و بعنوان مبنایی برای مقایسه بکار می‌رود.

Scope Creep

خزش گستره : افزایش مهارنشده گستره محصول یا پروژه بدون سازگاری و تعدی زمان، هزینه و منابع.

Scope Management Plan

برنامه مدیریت گستره : یکی از اجزای برنامه مدیریت پروژه یا طرح (PMP) که چگونگی تعیین، توسعه، نظارت و کنترل و تصدیق گستره را تشریح می‌کند.

S-Curve Analysis

تحلیل نمودار S : تکنیکی در مدیریت ارزش کسب‌شده مورد استفاده در نمایش دادن روند عملکرد با استفاده از نموداری که هزینه تجمعی را در طول یک دوره زمانی معین نشان می‌دهد.

Secondary Risk

ریسک ثانویه : ریسک برخاسته از نتیجه مستقیم اجرای پاسخ ریسک دیگر.

Sponsor

پشتیبان : شخص یا گروهی که منابع و کمک را برای پروژه، طرح یا سبد پروژه‌ها تامین کرده و در قبال موفقیت آن پاسخگوست.

Staffing Management Plan

برنامه مدیریت کارکنان : یکی از اجزای برنامه مدیریت منابع انسانی که زمان و چگونگی بکارگیری اعضای تیم و مدت زمان نیاز به آنها را تشریح می‌کند.

Stakeholder

ذینفع : شخص، گروه یا سازمانی که ممکن است یا اینگونه احساس کند که بر تصمیم، فعالیت و یا یک خروجی پروژه، طرح یا سبد پروژه تاثیرگذار یا تاثیرپذیر باشد.

Start-to-Finish

[ارتباط] شروع به پایان (SF) : ارتباط منطقی مابین فعالیتها بطوریکه یک فعالیت پسین/متاخر نتواند پایان یابد پیش از آنکه فعالیت پیشین/پیش نیاز آغاز شده باشد.

Start-to-Start

[ارتباط] شروع به شروع (SS) : ارتباط منطقی مابین فعالیتها بطوریکه یک فعالیت پسین/متاخر نتواند شروع شود پیش از آنکه فعالیت پیشین/پیش نیاز شروع شده باشد.

Successor Activity

فعالیت پسین/متاخر : فعالیتی وابسته در زمانبندی که منطقا پس از یک فعالیت دیگر می‌آید.

Summary Activity

فعالیت خلاصه : گروهی از فعالیتهای مرتبط در زمانبندی که تجمیع شده و بصورت یک کار واحد نمایش داده می‌شود.

Threat

تهدید : ریسکی که اثری منفی بر یک یا بیشتر اهداف پروژه دارد.

Three-Point Estimate

برآورد سه نقطه‌ای : تکنیکی مورد استفاده در برآورد هزینه یا زمان براساس میانگینی از برآوردهای خوشبینانه، بدبینانه و محتمل، زمانیکه در برآورد یک فعالیت خاص عدم اطمینان وجود دارد.

To-Complete Performance Index

شاخص عملکرد تا تکمیل (TCPI) : مقیاسی از عملکرد هزینه‌ای مورد نیاز برای دستیابی به یک هدف مدیریتی معین باتوجه به منابع باقی‌مانده؛ که بصورت نسبت هزینه تکمیل به بودجه باقیمانده بیان می‌شود.

Total Float

شناوری کل (TF) : مقدار زمانی که یک فعالیت برنامه می‌تواند از زمان زودترین شروع تاخیر یا تمدید داشته باشد بی‌آنکه تاریخ پایان پروژه را به تاخیر بیندازد یا از حدود پروژه تخطی کند.

Trigger Condition

شرط محرک : واقعه یا وضعیتی که نشانه‌ی قریب الوقوع بودن یک ریسک است.

Variance Analysis

تحلیل انحراف : تکنیکی برای کشف دلیل و درجه اختلاف مابین برنامه مبنا و عملکرد واقعی.

Variance at Completion

انحراف در انتها/تکمیل : پیش‌بینی مقدار مازاد یا کمبود بودجه؛ حاصل از تفریق مابین بودجه تکمیل (BAC) و برآورد تکمیل (EAC).

WBS Dictionary

لغتنامه ساختار شکست کار : مستندیست که جزئیات اقلام تحویل دادنی، فعالیتها و اطلاعات برنامه زمانبندی هرکدام از اجزای ساختار شکست کار را فراهم می‌کند.

What-If Scenario Analysis

تحلیل سناریوی چه-اگر : فرآیند ارزیابی سناریوها با هدف پیش‌بینی اثر آنها بر اهداف پروژه.

Work Breakdown Structure

ساختار شکست کار (WBS) : شکست سلسله‌وار کل گستره کاری که نیاز است تیم پروژه برای تکمیل اهداف پروژه و آفریدن اقلام قابل تحویل به انجام برساند.

Work Package

بسته کاری (WP) : کار مشخص شده در پایین ترین سطح ساختار شکست کار بطوریکه هزینه و مدت زمان آن قابل تخمین و مدیریت باشد.

Workaround

کارساز : پاسخ به تهدیدی که رخ داده درحالیکه پاسخ اولیه‌ای برای آن برنامه ریزی نشده یا اینکه پاسخ موثر نبوده است.